

نقش رسانه در تبیین هویت دینی

محمد رضا انواری^۱

چکیده

بحران هویت که امروزه گریبان گیر انسان غربی شده، برآیند دیدگاه مادیگرایانه انسان به زندگی و بی توجهی به پدیده وحی و دین است. نسل جوان بیشتر از دیگران با بحران هویت روبه‌رو است. با ارزیابی و تحلیل عوامل و عناصر آسیب‌زا در نسل جوان می‌توان به این نتیجه رسید که دور بودن فرد از تربیت صحیح دینی در سال‌های کودکی و نوجوانی زمینه‌ساز دوری از هویت دینی آنان می‌شود. جوان برای کسب هویت از عوامل گوناگونی همچون خانواده، نهادهای تربیتی و پرورشی، رسانه‌های گروهی و مطبوعات متأثر است. از سوی دیگر از آنجا که تقویت هویت دینی نقطه مقابل و راهکار اصلی برای مقابله با بحران هویت می‌باشد هر تلاش و کوششی که در این راستا صورت گیرد در واقع یک نوع مقابله و مبارزه برای از بین بردن بحران هویت در نسل جوان و امیدوار ساختن این نسل به آینده و اعتماد و اتکا به گذشته خویش می‌باشد. امروزه تاثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی بر کسی پوشیده نیست و صاحبان شبکه‌ها و رسانه‌های جهانی با استفاده از این ابزار کارآمد به دنبال تخریب فرهنگ و هویت بومی و دینی کشورهای مورد نظر هستند. در این مقاله سعی می‌کنیم تا با تبیین شاخصه‌ها و راههای تقویت هویت دینی، راهکارهایی برای شکل‌گیری و تقویت هویت دینی در برنامه‌های رسانه تبیین گردد.

واژه‌های کلیدی: هویت، هویت دینی، رسانه.

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع)

مقدمه

تدوین الگوی ایرانی-اسلامی توسعه و پیشرفت مدتی است که مورد توجه مسئولان کشور قرار گرفته است. یکی از مؤلفه‌های مهم در تدوین الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت توجه به هویت دینی و شناخت شاخصه‌ها و بررسی راهکارهای شکل‌گیری، تقویت و بیان عوامل تضعیف‌کننده آن در جامعه می‌باشد. هویت دینی، پدیده‌ای است که به تدریج و در پی عمل به آموزه‌های وحیانی به دست می‌آید، بنابراین برای شکل‌گیری هویتی مطلوب در دوره‌های جوانی و بزرگسالی، مراحل تربیتی را باید از سال‌های اولیه زندگی آغاز کرد. در غیر این صورت، دستیابی به پیروزی در گام‌های بعدی بسیار مشکل خواهد بود. در سایه هویت دینی می‌توان به هویت‌های دیگر مانند هویت شغلی، تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی، ملی، تمدنی و... جهت داد، این بدان دلیل است که دین، روش و برنامه زندگی است و می‌تواند با شایستگی کامل، همه هویت‌ها را پیرامون خود گرد آورد. انقلاب اسلامی با احیای فرهنگ، تفکر و هویت دینی، شخصیت مردم به ویژه نسل جدید و حضور فعال آنان را در صحنه‌های مختلف اجتماعی تثبیت و تضمین نمود. بدیهی است این دستاورد انقلاب هرگز دلخواه دشمنان و بیگانگان نباشد و آنان در صدد ضربه زدن به آن برآیند. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند؟ و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند... ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب ما خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی ما را لکه دار نمایند.» (صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۲۰، ص ۲۳۷).

هر چند گسترش فرهنگ دینی انقلاب هیچ‌گونه منافاتی با تمدن غرب نداشت، اما تضاد ذاتی بین فرهنگ مادی غرب و فرهنگ اسلامی، سیاست‌گذاران غرب را بر آن داشت تا به مقابله با فرهنگ اسلامی برخیزند. آخرین روش غرب در این رویارویی، استحاله فرهنگی جوانان و بی‌هویتی ساختن آنان است. آگاهی دادن به جوانان و نوجوانان و ترغیب آنان به شناخت هویت دینی خویش، بهترین راه در امان ماندن از ضربات سخت و مهلک این تهاجم است. نوجوانان و جوانان با رو آوردن به معنویت و تثبیت هویت دینی در روح و روان خود، نه تنها از آسیب‌های فرهنگی مصون خواهند ماند، بلکه جامعه بزرگ اسلامی را نیز در فرهنگ‌سازی دینی، یاری خواهند کرد (نگارش، ۱۳۸۰، ۲۵).

یکی از مهم‌ترین هدف‌های فرهنگی قدرت‌های استکباری، دور کردن نسل نوجوان و جوانان، به ویژه جوامع اسلامی از هویت دینی است. فرهنگ تهاجمی غرب با استفاده از دو ویژگی و نقطه ضعف جوان (کمبود تجربه و غلبه احساسات بر تعقل) و با استفاده از ویژگی‌ها و شکردهای تبلیغی و روان‌شناسانه سعی در فروپاشی نظام اعتقادی و فکری نسل جوان دارد تا از طریق تهی ساختن آنها از درون زمینه جذبشان را به مبانی فرهنگ خود فراهم آورد و هویت‌های ساختگی خود را به جای آن قرار دهد. امروزه عمده‌ترین و مهمترین ابزار مورد استفاده برای عملی کردن این نقشه استفاده گسترده از انواع رسانه‌هاست. همچنانکه رسانه‌های بیگانه و مخصوصاً شبکه‌ها و برنامه‌های متنوع ماهواره سعی در تخریب هویت دینی نسل حاضر دارند، در مقابل رسانه‌های بومی و ملی ما نیز باید با تدوین و ساختن برنامه‌های متنوع در جهت شناساندن و تثبیت هویت دینی به مردم، خصوصاً جوانان و نوجوانان کوشش کنند. اگر نسل نوجوان و جوان، به درک درستی از هویت دینی خود برسند، قدرت تحلیل و تفسیر رویدادهای فرهنگی و در نتیجه، توان مقابله با تهاجمات فرهنگی را پیدا خواهند کرد و به افرادی توانمند و نفوذناپذیر تبدیل می‌شوند. از همین جا،

ضرورت تلاش برای شناساندن هویت دینی به نوجوانان و جوانان آشکار می‌گردد. در این میان، متولیان تربیتی؛ یعنی پدر و مادر، مربیان، رسانه‌ها و... وظیفه خطیری دارند.

هویت دینی

از نیازهای فطری آدمی، گرایش به عشق و پرستش است. به این معنا که فرد، مستقل از هر گونه یادگیری، در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس می‌کند. تجلی چنین احساس و تمایلی، در اعمال و رفتار دینی، آشکار می‌شود. هویت دینی از یک بعد شامل پابندی افراد به جوهر دین و ارزشهای دینی و از سوی دیگر بیانگر دلبستگی جمعی و عمومی افراد یک جامعه به شعائر، مناسک و نهادهای دینی است. همچنین دارای بعد عملی نیز می‌باشد که عبارت است از: مشارکت و تمایل عملی انسانها به ظواهر، آیینها و مراسم مذهبی و دینی. در جامعه ایران عناصر مختلفی در شکل‌گیری هویت دینی مردم تاثیر دارند که از جمله می‌توان به قرآن، سیره انبیا و ائمه اطهار، ادعیه و مناجاتهای مختلف، اماکن مقدس مذهبی همچون زیارتگاهها، مساجد، امامزاده‌ها، مراسم و مناسک مذهبی مثل نماز، روزه، حج، خمس و زکات و... آیینهای محرم و رمضان و... که هر یک به نوعی در شکل‌گیری هویت دینی تاثیر دارند.

انسانی که رفتار و سلوکش ریشه در وحی دارد، از هویت دینی برخوردار است. به عبارت دیگر، هویت دینی پس از تحکیم ارتباط آدمی با خداوند متعال و پذیرفتن حاکمیت الهی در وجود انسان و جامعه، پدید می‌آید. پس از تثبیت هویت دینی، رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس آرمانها و هدف‌های دین شکل می‌گیرد (نگارش، ۱۳۸۰، ۲۳).

انسانی که از منظر دین به عالم هستی می‌نگرد، هرگز از باطن امور که نسبت به ظاهر نقشی تعیین کننده دارد، غافل نمی‌شود و همواره پندار، گفتار و رفتار خویش را با جهان بینی الهی سازگار می‌کند. در پرتو جهان بینی الهی است که انسان دارای هویتی روشن، امید بخش و هدفمند می‌گردد. اما در جهان بینی غیر دینی که فرد و جامعه با «هویت دینی» بیگانه‌اند، انسان به دنبال تامین خواسته‌هایی است که تنها به یاری عقل ناقص و تمایلات شخصی خود و بدون توجه به عالم غیب و رهنمودهای پیامبران، به آنها دست یافته است. در صورتی که سه حوزه عقیده، گفتار، رفتار و عملکرد دینی در انسان به صورت منسجم و هماهنگ عمل کنند احساس هویت دینی محقق خواهد شد و نتیجه هر گونه ناسازگاری بین سه امر مذکور، احساسی است که می‌توان آن را «احساس بحران هویت دینی» دانست در واقع هر گونه افراط و تفریط در سه امر فوق موجب انحراف از فطرت دینی شده و باعث عدم تعادل در احساس هویت و به تعبیر دیگر موجب احساس بحران در هویت دینی خواهد شد.

شاخصه‌های هویت دینی

در این مقاله منظور از دین و مذهب، دین اسلام است. برای تعیین شاخصه‌های هویت دینی ابتدا آن را به دو مولفه کلی تقسیم می‌کنیم که عبارتند از...

۱- پابندی نظری و عاطفی به مذهب

۲- پابندی عملی به مذهب

که هر یک از این دو مولفه دارای شاخصه‌هایی می‌باشند که در ادامه آنها را بیان می‌کنیم.

شاخصه‌های پایبندی نظری و عاطفی به مذهب

- ۱- با اهمیت تلقی کردن اسلام و ضرورت اطلاع و اعتقاد به اصول و مبانی آن از جمله:
اعتقاد به خدا، معاد، پیامبر خاتم و امامان معصوم، اعتقاد به قرآن و احکام و دستورات دینی
 - ۲- احساس بیزاری و تنفر از خدشه‌دار شدن اسلام
 - ۳- علاقه‌مندی به اسلام و افتخار به آن
 - ۴- باور به جایگاه والای اسلام در میان مذاهب دیگر
- به نظر می‌رسد هر آنچه یک فرد مذهبی در مورد اسلام لازم است در «نظر» به آن پایبند باشد در این چهار ملاک و شاخص جای گیرد. زیرا باور به جایگاه والای اسلام نسبت به مذاهب دیگر مسلمان را بر آن می‌دارد که مذهب خویش را با اهمیت تلقی کرده و اطلاع پیدا کردن از آن را ضرورتی حیاتی بداند. از سوی دیگر پس از شکل‌گیری باور به جایگاه والای اسلام، علاقه او به مذهبش بر انگیزنده می‌شود و او به تمام جوانب و زوایای مذهب خود علاقه‌مند می‌شود. بدیهی است اگر علاقه برخاسته از باور باشد، مسلمان در برابر هر گونه ایجاد خدشه به مذهب خود احساس رنج، ناراحتی و تنفر خواهد کرد (آخوندی، ۱۳۸۳، ۶۴).
- اگر بخواهیم شاخصه‌های پایبندی نظری به اسلام را به صورت ریزتر بیان کنیم این شاخصه‌ها را می‌توان نام برد:
- مهم دانستن دینداری برای فرد، مهم دانستن دینداری برای جامعه، مهم دانستن آگاهی از تاریخ اسلام، احساس رنج از مشاهده بی‌توجهی به اسلام، احساس بیزاری از روابط نامشروع، احساس بیزاری از مخدوش‌کنندگان اسلام، خوشحالی از آثار مثبت دین اسلام در جامعه، لذت بردن از مشارکت در برنامه‌های تقویت اسلام، خوشحالی از گسترش اسلام در تمام جهان، همدردی در قبال مشکلات و مصایب مسلمانان، افتخار به مسلمان بودن، افتخار به تاریخ اسلام، علاقه به روابط با افراد و گروه‌های مذهبی، علاقه به حفظ، تداوم و گسترش اسلام، علاقه به مسلمان باقی ماندن مسلمان، علاقه به علما و مبلغان دینی، علاقه به مطالعه کتب اسلامی، علاقه به شرکت در برنامه‌های تقویت اسلام، علاقه به فراگیری اسلام، علاقه به انتخاب نام‌های اسلامی برای فرزندان خود، باور به کفایت اسلام برای سعادت تمام بشر، باور به کارکرد داشتن دین در زندگی فردی و جمعی، باور به برتری دین اسلام بر سایر ادیان، باور به توسل به ائمه اطهار (همان، ۶۵).

شاخصه‌های پایبندی عملی به مذهب

- برای سنجیدن پایبندی به اسلام ملاک‌های زیر را می‌توان برشمرد:
- ۱- عضویت و مشارکت در گروه‌ها و برنامه‌های مذهبی
 - ۲- پایبندی به باورها و رعایت مقررات و احکام مذهبی در عمل
 - ۳- تلاش عملی برای فراگیری مذهب و آشنایی با عالمان دین
- دلیل ما برای لحاظ سه ملاک بالا، این است که یک فرد مذهبی پس از این که هویت دینی در آگاهی او شکل گرفت در حقیقت به باورها و ارزش‌های درونی شده پایبند است و در نتیجه مقررات و احکام مذهبی را رعایت خواهد کرد. چنین فردی با اشتیاق فراوان در پی فراگیری معارف مذهبی از طریق آشنایی با علمای دینی است، در نتیجه باید به طور مستمر با گروه‌ها و افراد مذهبی تعامل داشته باشد و در مجالس و محافل آنها شرکت کند (همان، ۶۶).

اگر بخواهیم شاخصه‌های پایبندی عملی به اسلام را به صورت ریزتر بیان کنیم می‌توان به این امور و مولفه‌ها برای آن اشاره کرد
تعامل مستمر با گروه‌های پای‌بند به اسلام، عضویت در گروه‌ها و مجامع طرفدار اسلام، مشارکت در برنامه‌های ارتقا و
تحکیم عقاید اسلامی، مشارکت در دفع شر مهاجمان به اسلام، پایبندی به باورهای اصیل اسلامی، پایبندی به باورها و ارزشهای
اخلاقی و اسلامی از قبیل توکل، تواضع، بی‌رغبتی به دنیا، همت بلند، مردمداری، اخلاص در کارها، اهتمام به دعا و ادای فرایض،
سازش‌ناپذیری با دشمنان، احتیاط در مصرف بیت‌المال و ساده‌زیستی، پایبندی به رعایت احکام اسلامی، تلاش عملی برای
فراگیری اصول اسلام، تلاش عملی برای کمک به حفظ و تداوم اسلام، تلاش عملی برای آشنایی با علمای اسلامی، مطالعه کتب
علمای اسلامی (آخوندی، ۱۳۸۳، ۸۳).

راههای تقویت هویت دینی

پس از تعریف هویت دینی و بیان شاخصه‌های آن، بررسی راه‌هایی که منجر به تقویت آن می‌گردد ضرورت می‌یابد؛ چرا
که با آگاهی از شاخصه‌های هویت دینی، این پرسش در اذهان شکل می‌گیرد که راه‌های تقویت شاخصه‌های هویت دینی کدام
است؟ با شناخت راه‌های تقویتی می‌توان گام‌های اساسی در جهت تثبیت هر چه بیش‌تر هویت دینی برداشت. در اینجا به مهم‌ترین
راه‌های تقویت هویت دینی اشاره می‌کنیم.

۱- شناخت و آگاهی

شناخت و آگاهی، تاثیر شگرفی در تقویت هویت دینی دارد. آگاهی یافتن بر این که چه چیزهایی از منظر دین ارزشمند
تلقی و باعث سعادت انسان می‌گردد، با توجه به ملاک‌های مستدل و در خور فهم همگانی به ویژه نسل جوان می‌تواند راهگشای
خوبی برای تقویت هویت دینی گردد. باید پذیرفت در دوران جوانی بر خلاف سنین کودکی که تقلید و همانند سازی نقش
بسزایی در پذیرش و یادگیری کودک دارد، جوان، همواره اهل تعقل و اندیشه است. به دیگر سخن، جوان، مقلد محض نیست
بلکه خود می‌اندیشد بررسی می‌کند و تا نداند آرام نمی‌گیرد. هدایت نسل جوان، امروز از لحاظ تاکتیک و کیفیت عمل، با گذشته
بسیار متفاوت است. جوان امروز واجد شرایط و ویژگی‌هایی است که نسل کهن، فاقد آن بود. باید این شرایط و ویژگی‌ها را
شناخت و متناسب با آن‌ها برنامه‌ریزی کرد. به عنوان مثال جوان امروز در دنیایی باز، قرار دارد که بر خلاف گذشته آگاهی یافتن از
هر مسأله‌ای برای او به راحتی میسر است. باید با روش صحیح و درک احساس‌ها و شرایط او، نیازهای روحی‌اش را بر آورد. در این
دوران است که جوان در جست و جوی کیستی خویشتن و یافتن خود است. اگر در این راستا هدایت شود در جهت یافتن خود
واقعی و اصیل می‌تواند خدا را بیابد و اگر هدایت صحیحی صورت نگیرد به خود فراموشی دچار خواهد شد که نتیجه آن،
فراموشی خداوند خواهد بود (نگارش، ۸۶، ۱۳۸۰).

جوان امروز وقتی دانست که فقط از ویتترین مغازه‌ای که به نام غرب در دنیا، مطرح شده آگاهی دارد و حاکمان غربی برای
مسخ افکار جوانان، آن را آرایش کرده‌اند و همه غرب زدگان نیز تحت تاثیر ظواهر آن، قرار گرفته و از آنچه داخل آن می‌باشد،
غافلند و از دیگر سو آگاهی یافت که فرهنگ اسلامی، سرآمد همه فرهنگ‌های دنیاست و به اعتراف محققان تاریخ، فرهنگ و
تمدن اسلامی در ردیف بزرگ‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری می‌باشد، با چشم بازتر و تصمیم درست‌تری قدم بر
می‌دارد (مطهری، ۱۳۸۰، ۱۱).

جوان آن گاه که بداند فرهنگ جهانی غرب، در پی ایجاد یک جامعه جهانی و مصرفی و خواهان نسل جدیدی از مردان و زنان جوان است که صرفاً مصرف کننده باشند. و مصرانه از آن‌ها می‌خواهد هر هویتی - جز هویت مصرف زدگی - را از خود دور کنند تا کاملاً به آن‌ها وابسته باشند، برای مقابله با آن، فرهنگ خود را به معنای واقعی می‌شناسد و با بنا ساختن سد فرهنگ اسلامی و شناساندن ارزش‌های والای آن، راه را بر نفوذ بیگانگان می‌بندد و دچار خود باختگی نمی‌گردد (نگارش، ۱۳۸۰، ۸۷).

امام (ره) می‌فرمود: باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم و ما هم در دنیا هستیم و شرق هم یک جایی است. همه‌اش غرب نیست، شرق هم یک جایی است که خزایش بیش‌تر از همه جا بوده و متفکرینش بیش‌تر از همه جا بوده تا آن وقتی که ما را اسیر کردند به طوری که ما خودمان را هیچ می‌دانیم (حاضری، ۱۳۷۸، ۲۳).

بدیهی است تلاش دشمنان در نبود چنین آگاهی است؛ چرا که غفلت، زمینه ساز نفوذ دشمن خواهد بود. بازگشت انسان به هویت خود، ارزش‌ها، نظام‌های اخلاقی و تعالیم مذهبی، از امید بخش‌ترین و موثرترین عناصر تحول در گستره حیات فرهنگی، اخلاقی و سیاسی خواهد بود. جوهره انسان، ریشه در گرایش به مبدا اعلی دارد و این سرمایه جاودانی و گران‌بها زمانی به شکوفایی می‌رسد که آدمی خود جایگاه واقعی خود و هدف آفرینش خود را بشناسد. دین و مذهب توجه انسان را به خود واقعی و جایگاه حقیقی‌اش جلب می‌کند تا در پس این شناخت و آگاهی به خدا نزدیک بشود. اگر انسان هویت دینی خود را بشناسد در می‌یابد که فراتر از همه حیوانات است و نفع‌های از روح الهی در او جود دارد که «من» واقعی‌اش را می‌سازد و از من حیوانی جدایش می‌کند. اما اگر از جایگاه واقعی خود غفلت ورزد و پیرو هواهای نفسانی‌اش شود از همه ارزش‌ها و معنویت‌ها فاصله می‌گیرد (نگارش، ۱۳۸۰، ۸۹).

شهید مطهری می‌نویسد: قوی‌ترین حربه دفاعی این انقلاب و موثرترین سلاح پیشرفت آن، «ایمان ملت به نیروی خویش» و «بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلام» است. غرب که منظور همه ابرقدرت‌هاست از یک چیز وحشت دارند و آن بیداری خلق مسلمان است اگر شرق، بیدار شود و خود اسلامی را کشف کند در آن صورت حتی بمب اتمی هم از پس این نیروی عظیم، این توده به پا خاسته بر نخواهد آمد. راه بیداری، آشنایی با تاریخ و ایدئولوژی خودمان است (مطهری، ۱۳۸۰، ۱۲۲).

بنابراین باید خود واقعی را شناخت و آن را درک کرد؛ و این مهم در پرتو آگاهی از هویت دینی، دست یافتنی است.

۲- تبیین جامعیت دینی

منظور ما از دین جامع، دینی است که دارای ریشه الهی باشد با فطرت و ضمیر انسان همگون باشد با محتوای غنی خود، همه ابعاد مختلف زندگی انسان را در نظر بگیرد و طرح‌های ارائه شده‌اش قابلیت پیاده کردن و عملی شدن در هر زمان و مکانی را داشته باشد. بی‌تردید در نگرش ما به اسلام، ویژگی‌های یاد شده وجود دارد چرا که دین اسلام تنها به تهذیب و پاکیزگی روح فردی مردم و پیوند افراد با خدا نیندیشیده و صرفاً به سعادت اخروی آنان بسنده نکرده است، از منظر اسلام، مسائل ضروری حیات، تمایلات مادی و غرایز نفسانی در کنار مسائل معنوی جای دارد. وجه جامع بودن دین اسلام نیز به همین نکته باز می‌گردد که همه دستورها و قوانین اسلامی موافق طبع هر انسان سلیمی واقع می‌شود (نگارش، ۱۳۸۰، ۹۰).

بنابراین وقتی جوان به این باور رسید که اسلام دینی است که به تمامی جنبه‌های انسان توجه کرده و برای تأمین همه نیازهای او بر نامه و راهکار ارائه می‌دهد نه تنها به هویت دینی خود افتخار می‌کند بلکه در پی تبلیغ و گسترش آن نیز برمی‌آید و دیگر بحران هویت برای او معنا ندارد. این مهم وقتی بدست می‌آید که فرد از دوران کودکی تا بزرگسالی به تناسب سنی که در آن قرار دارد و

به تدریج با ابعاد مختلف دین آشنا گردد تا جامعیت دین اسلام برایش روشن شود و در این فرایند آشنایی است که هویت دینی در او شکل گرفته و تقویت می شود.

۳- تبیین ارزش‌های اسلامی

«ارزش‌ها»، باورها و اعتقاداتی هستند که عنصر اساسی فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند و از جایگاهی والا در فرهنگ اسلامی برخوردارند. یکی از راه‌های تقویت هویت دینی به ویژه برای نسل جوان، تبیین ارزش‌ها است. بدیهی است این کار باید در قالب حرکتی اصولی سنجیده و متناسب با مقتضیات دوران جوانی باشد. دنیای جوان به اعتقاد همه روان‌شناسان، دنیایی سرشار از عاطفه و احساس است. سن جوانی، سن آرمان طلبی است و با این زمینه ایده‌آل جویی در جوان اگر در ارائه ارزش‌ها سنجیده گام برداریم می‌توان ارزش‌های زنده و جاویدی در آنان پدید آورد. ارزش‌هایی که آنان را در راه رسیدن به هدف‌های والای زندگی جهت دهد چه بسیار از جوانان که به علت بدآموزی‌ها، معاشرت‌های ناصحیح و جهت‌دهی‌های غریزه، گرفتار ضد ارزش‌ها شده‌اند و سرمایه و فکر و عمل خود را در آن راه از دست داده‌اند. مهم‌ترین گام در تبیین ارزش‌ها برای جوانان، زدودن ضد ارزش‌ها از آینه اندیشه و فطرت آنان با استدلال و نیز معرفی اسوه‌های کامل در این زمینه و جایگزینی زیبایی‌های اخلاقی و ارزش‌هایی مانا، هم چون عشق به محبوب بی‌نهایت، خدمت به اجتماع خود و جامعه بشری، فداکاری و ایثار در راه حفظ و زنده نگه داشتن مکتب، دفاع از حریت انسان، استقرار حق و عدل در جامعه و... در دل و جان آنان است (همان، ۹۳).

۴- احیای تربیت دینی

امروزه از واقعیاتی که نمی‌توان آثار آن را در حوزه فعالیت‌های اجتماعی و فردی به ویژه آسیب‌شناسی، نادیده گرفت مساله گم کردن هدف و فلسفه زندگی و اعتماد نداشتن به خالق هستی است! پذیرش حیات پوچ و بیهوده، زمینه ساز پیامدهای منفی خواهد بود که به صورت‌های گوناگون در عرصه‌های فردی و اجتماعی بروز می‌کند سقوط در منجلا ب گناه و آلودگی‌های ناشی از تحریک غریزه جنسی، از این نمونه است. در این میان تنها دین و تربیت دینی است که در زمینه حیات و چرایی و چگونگی زندگی به انسان آگاهی‌های قانع‌کننده می‌دهد و عامل هدایت وی در مسیر زندگی می‌شود. باید پذیرفت دوره جوانی دوره تثبیت شخصیت است. جسم و جان جوان در این دوره با شیوه‌های صحیح یا غلط برای یک زندگی سازنده یا ویرانگر، آماده می‌شود. اگر جوان دریابد دین نشان‌دهنده راه زندگی، سبب سعادت و عامل جلوگیری در برابر فساد، انحراف و ضد ارزش‌هاست آن‌گاه عاشقانه پذیرای دین و تعالیم دینی می‌شود (نگارش، ۱۳۸۰، ۹۷).

از عوامل موثر در تربیت دینی جوان باید به جایگاه خطیر نهادهایی هم چون خانواده، مدارس، مساجد، رسانه‌های ارتباط جمعی و سمعی و بصری و... اشاره کرد. گفتنی است توجه جوان به مذهب به دلیل گرایش‌های نفسانی، ممکن است کم‌رنگ شود و به عبارت دیگر در گرایش به دین از خود رغبت نشان ندهد ولی باید دانست فطرت آن‌ها فقط تخدیر شده است و باید در صدد احیای آن زمینه پاک و الهی برآمد. باید کوشید تا آلودگی‌ها را از ذهن او زدود و اخلاق دینی را جایگزین آن نمود. آنچه امروز به صورت‌های گوناگون از بی‌اعتنایی به سنت‌ها، آداب و ارزش‌های خودی بی‌هویتی، گرایش به ابتذال و... مشاهده می‌شود در واقع بر اساس یک سلسله افکار و اندیشه‌های پوچ بیگانه و مادی غرب و با استفاده از شرایط سنی و روحی نسل جوان عینیت یافته و اصلاح این نمودهای عینی و ذهنی با زدودن غبارهای نشسته بر روی فطرت حق‌گرا و کمال‌طلب و رسانیدن آن به یک باور درونی به سادگی امکان‌پذیر می‌باشد. احیای تربیت دینی، جوان را به خویشتن باز می‌گرداند؛ غبارهای خود فراموشی را از فطرتش می‌زداید و هویت دینی را در نهادش بارور می‌نماید (همان).

۵- ارائه الگوها

انسان موجودی است که به طور فطری میل به کمال دارد. یکی از راه‌های نیل به کمال، داشتن الگو و اسوه است؛ الگویی که خود موجودی ارزنده و دارای سجایای اخلاقی و انسانی بوده در حقیقت تبلور عینی کمال و انسانیت باشد. این الگوهای شایسته که مراحل از طریق کمال و منزلگاه‌هایی از جاده رشد را پیموده‌اند در راه احیای ارزش‌ها و تقویت هویت دینی نقش بسیار مهمی ایفای کنند. نسل امروز نیازمند الگوهای شایسته و راستین است. امروز باید دست به کار دگرگونی الگوها و آفرینش و نمایش قهرمانان صالح باشیم اگر بخواهیم عوامل فساد را از چهره اجتماع خویش بزدایم و روح پاکی، صداقت و خیرخواهی را در قشرهای مختلف زنده نماییم باید مد جامعه را عوض کنیم و سمبل‌های پاکی و نیکی را به نمایش بگذاریم (نگارش، ۱۳۸۰، ۹۸).

۶- زدودن خرافات از چهره دین

یکی از راه‌های تقویت هویت دینی زدودن خرافات از چهره دین و دامن معرفت دینی است. در این میان عالمان بیدار و دیندار که غم دین می‌خورند بیش‌ترین سهم را در زدودن خرافات و ترسیم حقیقت دین دارند. یکی از اندیشمندان بیدار و ژرف اندیش معاصر که در زدودن خرافات از چهره دین بسیار کوشید شهید مطهری بود. ایشان در این باره می‌نویسد:

دین مقدس اسلام، یک دین ناشناخته است. حقایق این دین به تدریج در نظر مردم واژگون شده و علت اساسی گریز گروهی از مردم تعلیمات غلطی است که به نام دین داده می‌شود این دین مقدس در حال حاضر بیش از هر چیز دیگری از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند ضربه و صدمه می‌بیند (مطهری، ۱۳۸۰، ۸).

عالمان دینی هم چون شهید مطهری، نیک دریافته بودند که منشا واژگون شدن حقایق دینی کجا است: هنگامی که یک نهضت اوج می‌گیرد؛ جاذبه پیدا می‌کند و مکتب‌های دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه‌های بیگانه را که با روح آن مکتب مغایرت دارد وارد آن مکتب می‌کنند و آن را از اثر و خاصیت می‌اندازند. (مطهری، ۱۳۸۰، ۹۰).

اگر عالمان دینی مکتب الهی را به طور معقول علمی و استدلالی، عرضه کنند؛ مساله تخریب را در نظر بگیرند و باور کنند معارف اسلامی آن اندازه غنی است که می‌تواند به همه شبهات به خوبی پاسخ دهد نه تنها مانع نفوذ اندیشه‌های بیگانه خواهند شد، بلکه زمینه هر گونه انحراف در دین گرفته می‌شود. بی‌بردن به مساله «دین‌گریزی گروهی از جوانان» به ویژه طیفی که زاده و پرورش یافته دوران انقلاب می‌باشد، باید در دستور کار مسؤولان تعلیم و تربیت، رسانه‌ها، خانواده‌ها و به ویژه عالمان بیدار، قرار گیرد. باید پذیریم دین‌گریزی نسل جوان ما دلایل گوناگونی دارد و تا هنگامی که علت‌های این معلول، مرتفع نگردد، معلول هم چنان باقی خواهد ماند و مانند بیماری مسری، تمام افراد جامعه را دربر خواهد گرفت و آنان را افسرده و رنجور خواهد کرد. در این صورت هویت دینی و آثار آن از جامعه به ویژه نسل جوان رخت بر خواهد بست. یکی از عوامل موثری که چهره دین را نزد قشر جوان و تحصیل کرده مشوش ساخته، وجود خرافاتی است که چون غباری سیاه بر روی گوهر دین نشسته است. دانشمندان ژرف اندیش ما باید ساحت قدسی دین را از آلودگی‌ها و خرافات پاکیزه گردانند و جوانان را با چهره زیبا و حقیقی دین، آشنا و موجب گرایش آنان به دین گردند (نگارش، ۱۳۸۰، ۱۰۲).

عوامل تضعیف هویت دینی

۱- القای ناکارآمدی دین:

یکی از موثرترین راه‌ها برای محو هویت دینی، القای این نکته است که دین توانایی حل مشکلات بشر را در این زمان، ندارد.

۱-۱- در عرصه سیاست

یکی از اقدامات دشمنان که قصد دارند به واسطه آن، هویت دینی را تضعیف کنند، القای شبهاتی درباره توانا نبودن دین در عرصه سیاست است. این شبهات با این هدف، صورت می‌گیرد که دین نمی‌تواند در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی حضور داشته باشد و فقط با مسائل فردی انسان‌ها سر و کار دارد. در واقع این گونه شبهات به ترویج افکار مکتب «سکولاریسم» می‌پردازد (نگارش، ۱۳۸۰، ۱۰۳).

اگر بخواهیم جدا انگاری دین و دنیا را به اجمال تعریف کنیم می‌توانیم بگوییم فرآیندی است که طی آن، وجدان دینی، فعالیت‌ها و نهادهای دینی اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و این به آن معنا است که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود و کارکردهای اساسی در عملکرد جامعه با خارج شدن از زیر نفوذ و نظارت عواملی که اختصاصاً به امر ماورای طبیعی عنایت دارند، عقلانی می‌گردد (نصری، ۱۳۷۸، ۳۵۵).

۱-۲- نفی جاودانگی احکام اسلامی

یکی از شبهات طرح شده در جهت تضعیف هویت دینی، شبهه نفی جاودانگی احکام اسلامی می‌باشد. می‌گویند آنچه در سنت و کتاب، پیرامون روابط خانوادگی و اجتماعی از قبیل حکومت، قضاوت، داد و ستد و... مورد تاکید قرار گرفته به منظور ارائه قوانین جاودانه نبوده است. به عبارت دیگر مگر ممکن است چیزی جاودانه باشد و حال آن که اساسی‌ترین اصل جهان، اصل تغییر و تحول است؟ و معتقدند تنها یک چیز جاودانی است و آن این است که هیچ چیز جاودانی نمی‌باشد. در جواب این شبهه باید گفت آن چیزی که همواره در معرض تغییر و تحول قرار گرفته است، «ماده» و ترکیبات مادی می‌باشد ولی قوانین و نظام‌ها شامل این قانون نمی‌باشد و به تعبیر شهید مطهری، پدیده‌ها متغیرند؛ نه قوانین. و اسلام قانون می‌باشد، نه پدیده (مطهری، ۱۳۸۰، ۱۰۶).

۱-۳- محدودیت قلمرو دین

آیا برای پاسخ به هر سوالی باید به مذهب، رجوع کرد و بشر برای همه خواسته‌هایش باید از دین کمک بگیرد یا این که در قلمرو محدودی از حیات و پرسش‌های وی دخالت می‌کند و جوابگوی بسیاری از سوال‌ها نمی‌باشد؟ اشکال عمده این گروه‌ها و دیدگاه‌ها که قلمرو دین را محدود می‌کنند این است که اولاً از منظر خاص و محدودی به دین می‌نگرند. ثانیاً تمامی ادیان در منظر اینان و بسیاری از اندیشمندان غربی یکسان تلقی می‌گردد. بنابراین تفکر آیین‌هایی چون بودا، تائو و شینتو نیز دین تلقی می‌شود حال آن که ادیان وحیانی و غیر وحیانی بسیار متفاوت‌اند؛ و در میان ادیان وحیانی اسلام که از کتاب و شریعت تحریف ناشده پدیده آمده با ادیان دیگر قابل قیاس نیست. چگونه می‌توان میان ادیانی که از احکام اجتماعی چندانی برخوردار نیستند با دینی که احکام اجتماعی بسیار دارد مقایسه به عمل آورد؟ (نگارش، ۱۳۸۰، ۱۱۰).

۲- توسعه فساد

ترویج فساد و فحشا از مهم‌ترین حربه‌ها در تضعیف هویت دینی می‌باشد.

برخی مصادیق فساد عبارتند از:

۱- اشاعه اعتیاد

۲- رواج بدحجابی

۳- ترویج غنا و موسیقی مبتذل

۴- فساد مالی مخصوصاً در بین مسئولین که تاثیر زیادی بر بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام برآمده از دین دارد.

۵- ناهمگونی فرهنگی: از عواملی که باعث ناهمگونی فرهنگی می‌شود می‌توان به این موارد اشاره کرد: (در ناهمگونی

فرهنگی فرد از نظر اجتماعی و فرهنگی خود را در شرایطی می‌یابد که در آن ارزشها، فرهنگ، آداب و معاشرت خود در معرض تزلزل و دگرگونی است که این تحولات آثار منفی و بدی را بر هویت دینی افراد می‌گذارد)

الف) حاشیه نشینی ب) مهاجرتهای بی‌رویه ج) رفت و آمد توریستها

۶- نشر افکار ضاله و فرهنگ مبتذل: این امر توسط ابزارهای زیر انجام می‌شود که طی آن افکار منحرف که عمدتاً در

تعارض و تضاد با هویت دینی است در بین عموم مردم پخش می‌شود و باعث تضعیف و در بعضی موارد نابودی هویت دینی در افراد به خصوص نسل جوان می‌شود. این ابزارها عبارتند از: تلویزیون، سینما، ویدئو، ماهواره، کتاب، نشریات، مطبوعات و...

۷- نادیده گرفتن اصل امر به معروف و نهی از منکر

۸- رفاه طلبی و ثروت اندوزی خصوصاً بین مسئولین

۹- جابجایی الگوها

۱۰- ترویج اسلام آمریکایی: برخی از اهداف ترویج اسلام آمریکایی عبارتند از الف) جدایی دین از سیاست ب) تحریف

اسلام با دست بردن در محتوا و بیان قرائتهای جدید از دستورات و وقایع اسلامی ج) ترویج سیاست تساهل و تسامح و نبود

خشونت (نگارش، ۱۳۸۰، ۱۱۱-۱۵۳).

روش‌های اثرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی

نمی‌توان از هر شیوه و روشی برای تربیت کودکان و نوجوانان استفاده کرد بلکه باید بر اساس ظرفیت‌های موجود از

روش‌های مناسبی بهره‌مند شد. یکی از نکات مهم در شکل‌گیری هویت دینی چگونگی انتقال مفاهیم دینی به کودکان و نوجوانان است که در اینجا به برخی روش‌های انتقال مفاهیم دینی اشاره می‌کنیم.

الف) روش قصه‌گویی

در قصه به سرگذشت فرد یا گروهی پرداخته می‌شود که شنیدن آن برای شنونده جذاب است. شنیدن قصه یکی از کارهای

مورد علاقه این دوره از رشد به شمار می‌رود. آنها با هیجان زیاد به داستان گوش می‌دهند. قصه نه تنها پیام‌های مفیدی برای

کودک دارد بلکه اگر به گونه‌ای جذاب و مناسب گفته شود کودکان و نوجوانان می‌کوشند خود را با شخصیت‌های آن قصه

همانند سازی کنند. والدین و مربیان می‌توانند با بیان داستان‌های مذهبی و دینی زمینه رشد شناختی کودک را فراهم سازند. یکی از

راه‌های استفاده از این سبک تربیتی استفاده از کتاب‌های داستان است. کودکان با خواندن کتاب‌های داستانی در این زمینه به

اهداف مورد نظر دست می‌یابند. والدین و مربیان باید پس از بیان قصه‌های آموزنده به نتیجه مورد نظر خود برسند. در این زمینه

می‌توانند از کودک نتیجه داستان را بپرسند. با تکرار این روش کودک می‌کوشد از شخصیت‌های مثبت داستان تقلید و خود را به آنها نزدیک کند (بخشنامه، ۱۳۸۵، ۸۸).

ب) روش مشاهده مستقیم

دیدن بعضی رویدادها که به آموزه‌های دینی مربوط می‌شود در یادگیری کودکان و نوجوانان تاثیر فراوانی دارد. آنها با دیدن آن رویدادها بعضی از مسائل انتزاعی را بهتر درک می‌کنند و در موقعیت‌های مشابه آن را به کار می‌گیرند. در قرآن مجید استفاده از این روش یکی از راه‌های دست‌یابی به جهان‌بینی دینی، معرفی شده است. برای نمونه خداوند در آیه‌ای همگان را به مشاهده آثار رحمت الهی مانند پدید آمدن باران و رویش گیاه در زمین پس از خشکی آن فرا می‌خواند خداوند در آیه‌های گوناگون انسان را به سیر و سفر و دیدن آثار به جا مانده از قبیله‌های پیشین تشویق می‌کند. مشاهده این مسائل به سبب ملموس بودن و خارج شدن از محدوده انتزاعی نتیجه‌گیری را آسان‌تر می‌سازد. والدین و مربیان می‌توانند با تشکیل گروه‌های کوچک و بزرگ برای اردوهای گوناگون به تبیین مسائل مرتبط با رشد هویت دینی بپردازند (همان، ۸۹).

ج) روش تمرین و تکرار

تکرار کردن یک گفتار یا کردار سبب می‌شود که فرد بتواند در موقعیت‌های گوناگون به راحتی آن را به یاد بیاورد. اگر آموزه‌های دینی فقط یک بار به کودکان و نوجوانان آموزش داده شود فرصت کافی برای درونی شدن وجود ندارد و برای دست‌یابی به هدف مورد نظر باید آن را تکرار کرد (همان).

د) روش الگویی

با آموزش مسائل نظری و عملی دینی به کودکان و نوجوانان، هدف خاصی در ذهن آنها ترسیم می‌شود. آنان با فراگرفتن آموزه‌های دینی، به سوی هدف مورد نظر گام برمی‌دارند، ولی نمی‌توانند به تصور درستی از شخصیت آرمانی‌شان دست یابند. برای جبران این کاستی می‌توان الگوهای مناسب را در برابر دیدگان آنان ترسیم کرد. با کمک روش الگویی، آموزه‌های دینی و چگونگی عمل به آنها را به صورت ملموس‌تری فرا می‌گیرند. والدین و مربیان باید پیش از اینکه کودک الگوی نامناسبی را برگزیند الگوهای مناسب را فراروی کودک و نوجوانان قرار دهند. کودکان باید از الگوهای تقلید کنند که از یک سو برای آنها جذابیت کافی داشته باشند و از سوی دیگر آنان را در مسیر رسیدن به پروردگار و هویت دینی یاری کنند (همان، ۹۱).

ه) روش پرسش و پاسخ

متولیان تربیتی می‌توانند با استفاده از روش پرسش و پاسخ کودک و نوجوان را به تفکر درباره مسائل دینی تشویق کنند. با طرح پرسش دینی ذهن آنها برای یافتن پاسخ مناسب به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و انتخاب بهترین آنها می‌پردازد و کم‌کم با هم‌اندیشی میان مربیان و والدین به همراه آنها مسائل جدیدی به دست می‌آید. این روش به سبب اینکه ذهن آنها را فعال می‌کند تعامل کودک و نوجوان را در پی دارد (بخشنامه، ۱۳۸۵، ۹۲).

در میان احادیث هم گفت‌وگوهایی به چشم می‌خورد که به صورت پرسش و پاسخ میان معصومین (ع) و دیگران صورت گرفته است. در مرحله جدید می‌توان به شبهه‌ها و پرسش‌هایی که در ذهن کودک و نوجوان شکل می‌گیرد؛ توجه و پاسخ‌های مناسبی را با توجه به سطح شناختی‌اش ارائه کرد (همان).

محورهای قابل توجه در سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان رسانه

۱. توجه دست اندرکاران رسانه به اهمیت هویت دینی کودکان و نوجوانان

بهترین دوره شکل گیری هویت دینی کودکی و نوجوانی است که باید مورد توجه متولیان تربیتی قرار بگیرد، اما بسیاری از متولیان تربیتی به این موضوع توجه کافی ندارند. آنها می پندارند کودکان باید در سن تکلیف، آموزش دینی را آغاز کنند و اگر پیش از آن نسبت به آموزه های دینی سستی به خرج دهند نباید سخت گیری کرد. مراکز فرهنگی و رسانه های ارتباط جمعی برای آگاه کردن یا افزودن سطح شناختی والدین باید از روش های گوناگونی استفاده کنند. در این میان، صدا و سیما در مقام رسانه ملی مهم ترین نقش را داراست؛ زیرا هر خانواده در خانه از تلویزیون یا رادیو بهره می برد به گونه ای که خانواده ها وقت زیادی را صرف تماشا یا گوش دادن به آنها می کنند. دست اندرکاران رسانه باید در گام نخست از اهمیت موضوع آگاه شوند. می توان از منابع اسلامی، روان شناسی، نظر خواهی از کارشناسان و راه های دیگر برای پی بردن به اهمیت موضوع استفاده کرد. در منابع اسلامی و روان شناسی، بر دوران کودکی و نوجوانی و نقش آن در آینده افراد بسیار تاکید شده است. پیش از تهیه برنامه های مربوط باید مطالعات و نشست هایی برای آشنایی بیشتر در این زمینه صورت گیرد. برای نمونه پیش از تهیه فیلم سینمایی، سریال، تهیه خبر و گزارش های مربوط، برنامه کودک و نوجوان، میزگرد و گفت و گو، مسابقه و... باید برای عوامل تهیه برنامه مشخص شود که برای شکل گیری هویت دینی دو دوره کودکی و نوجوانی اهمیت دارد. همچنین باید با دعوت از کارشناسان مربوط به پرسش هایی که در این زمینه برای اصحاب رسانه وجود دارد پاسخ داده شود تا با تصویری درست به موضوع پردازند (بخشنامه، ۱۳۸۵، ۱۲۷).

۲. مخاطب شناسی در برنامه ها

کسانی که برنامه های صدا و سیما را می بینند یا می شنوند در یک سطح نیستند. کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال، مخاطبان را تشکیل می دهند که هر کدام از آنها به دو گروه آگاه و ناآگاه در مسائل تربیت دینی تقسیم می شوند. در کنار آن هر یک از این افراد در زندگی شخصی و خانوادگی با مسائل و مشکلات ویژه ای روبرو هستند. تهیه کنندگان برنامه های آموزش مبانی دینی باید با شناخت نسبی از مخاطبان برنامه به آموزش پردازند. کارشناسان هم باید با درک نیازهای امروزی مخاطب به مسائل و ظرافت های کلیدی اشاره کنند. زمان پخش برنامه هم بسیار مهم است یعنی از راه آمارگیری باید دانست که افراد گوناگون جامعه چه هنگام به تماشای تلویزیون می پردازند. بعضی برنامه ها در فرصت های مناسبی پخش نمی شود. برای نمونه، برنامه آموزش دینی زمانی پخش می شود که بیشتر مخاطبان به تماشای فیلم یا برنامه های ورزشی و مانند آن در شبکه دیگر مشغول هستند. در بعضی برنامه ها نیز از کارشناسانی استفاده می شود که به سبب کهنوت سن، جذابیت و محبوبیت کافی برای کودکان و نوجوانان ندارند. اگر به این عوامل آسیب زا در رسانه توجه نشود، با مرور زمان، از مخاطبان آن کاسته می شود. گاهی نیز به دلیل تفری که از ساختار برنامه در مخاطب شکل می گیرد از محتوای برنامه هم دور می شوند. به همین دلیل، مخاطب شناسی و ارضای نیازهای روحی و فکری آنان بسیار مهم است که باید مورد توجه قرار گیرد (بخشنامه، ۱۳۸۵، ۱۲۸).

۳. توجه به پیامدهای مثبت آموزش های دینی

برای آموزش مبانی دینی به کودک و نوجوان و توجه دادن والدین و مربیان به اهمیت وظیفه تربیت دینی می توان به آثار و پیامدهای مثبتی که در آینده ظاهر می شود اشاره کرد. خداوند در بخش های زیادی از قرآن مجید از این روش استفاده می کند و

با تبیین پیامدهای پرهیزکاری که همان بهشت و زندگی خوب در دنیا و آخرت است، به تشویق انسان می‌پردازد. تهیه کنندگان می‌توانند با درک مخاطب و نیازهای ویژه آن، آثار رشد هویت دینی را بازگو کنند. برای نمونه به رشد شخصیت سالم، اعتماد به نفس، کسب استقلال کافی وارد نشدن به کارهای خلاف، موقعیت اجتماعی مطلوب، محبوب شدن نزد خداوند و... اشاره شود. با بیان این پیامدها، کودک و نوجوان یا متولیان تربیتی به فراهم آوردن زمینه‌های آن تشویق می‌شوند (بخشنده، ۱۳۸۵، ۱۲۹).

۴. توجه به عوامل و پیامدهای بی‌توجهی به آموزش‌های دینی

یکی از روش‌هایی که جامعه را از اهمیت موضوع آگاه می‌کند تبیین عوامل، پی‌آمدها و آسیب‌های ترک و سهل‌انگاری آموزش‌های دینی است. باید به عواملی مانند: ناآگاهی از مراحل رشد هویت دینی، رشد نادرست دینی متولیان تربیتی، غلبه خشم، غضب و... در هنگام تربیت کودک، فرهنگ نامناسب جامعه، انتخاب راه‌هایی که زودتر به نتیجه می‌رسد، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی و... توجه کرد. پی‌آمدها و آسیب این مسائل عبارتند از: رو آوردن به کارهای خلاف عرف، شرع و قانون، رشد نادرست شخصیت، سرگردانی، بی‌ارزشی شخصیت، نداشتن اعتماد به نفس، زندگی همراه با ترس و اضطراب، احساس گناه و... (همان). رسانه می‌تواند با تهیه فیلم‌های سینمایی و سریال، مستندسازی، نماآهنگ، گزارش‌های خبری و تفسیرهای مرتبط، برنامه‌های کودک و نوجوان و... مخاطبان را با عوامل و آسیب‌های بی‌توجهی به مراحل شکل‌گیری هویت دینی آگاه سازد و تحولی در اندیشه و سبک زندگی‌شان ایجاد کند (همان).

۵. استفاده از کارشناسان مناسب

انتخاب کارشناس آگاه، در بهبود کیفیت برنامه نقش زیادی دارد؛ به دلیل اینکه کارشناس بیشتر وقت خودش را به موضوع ویژه‌ای اختصاص می‌دهد و با زاویه‌های روشن و پنهان آن آشنایی دارد. در این باره باید به چند مسئله توجه کرد. نخست باید شیوه بیان و ارتباط کلامی کارشناس را در نظر گرفت. بعضی از آنها با ارتباط کلامی جذاب توان آن را دارند که مخاطب را به عمل وادارند، ولی بعضی دیگر، برای محیط‌های دانشگاهی و علمی مناسب هستند. برای انتخاب کارشناس باید با آشنایی قبلی به زوایای کلامی و شخصیتی و اینکه چه جایگاهی در میان جامعه دارد، بهترین و مناسب‌ترین آنها را برگزید. مسئله مهم این است که باید با شناخت مخاطب و نیازهای ویژه، کارشناسی را برگزید که می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. به عنوان نمونه، برای بحث‌های کارشناسی ویژه کودکان و نوجوانان، نمی‌توان استادانی را دعوت کرد که فقط در محیط‌های علمی و دانشگاهی مشغول بوده‌اند و هیچ آشنایی عملی با ویژگی‌های این نسل ندارند. متأسفانه در بعضی برنامه‌ها، پس از دعوت کردن از چند کارشناس به ارزیابی آنها می‌پردازند در حالی که می‌توانند بعضی از آنها را برگزینند. بهتر است با شرکت در جلسه‌های آموزشی و پژوهشی و به دست آوردن اطلاعات کافی، تنها از بعضی از آنها دعوت کنند (بخشنده، ۱۳۸۵، ۱۲۹).

۶. الگوسازی

یکی از وظایف رسانه دینی، الگوسازی در زمینه مسائل مذهبی است. با فراهم کردن الگوی مناسب، بهتر می‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت؛ به این معنی که فرد با فراگیری آموزه‌ها و با توجه به الگو، به راحتی آن را انجام می‌دهد. پژوهش‌های فراوانی در زمینه الگوسازی و تقلید از الگو صورت گرفته است که در بعضی از آنها، آزمایشگر، پس از نشان دادن الگویی که در حال پرخاشگری و رفتارهای دیگر است مشاهده می‌کند افرادی که به تماشای الگو می‌پردازند، از کارهای او تقلید می‌کنند و آن را

می‌آموزند. حتی در حیوان‌ها هم الگوسازی تاثیر زیادی در یادگیری دارد. رسانه باید با انتخاب الگوهای شایسته و مناسب، آموزش‌های دینی را به شیوه عملی نشان دهد. البته در این قسمت هم مخاطب‌شناسی اهمیت دارد (همان، ۱۳۰).

۷. توجه به جمله‌های کوتاه و زیرنویس

پیام‌رسانی با استفاده از جمله‌های کوتاه در میان برنامه‌های جذاب برای والدین و مریان یا کودکان و نوجوانان ضروری است. برای اینکه مخاطب به اهمیت موضوع هویت دینی پی‌ببرد، باید با جمله‌های جذاب و پرمحتوا، جرقه‌ای در اندیشه آنها ایجاد کرد. بعضی از جمله‌هایی که در برنامه‌های گوناگون می‌توان از آنها استفاده کرد، عبارت است از: (بخشنده، ۱۳۸۵، ۱۳۱).

- برای شکل‌گیری هویت دینی فرزندان باید از کودکی به تربیت دینی آنان پرداخت.
- آیا از پی‌آمدهای مثبت و منفی توجه به تربیت دینی و سهل‌انگاری آن آگاهید؟
- کودکان و نوجوانان را در عمل به آموزه‌های دینی مجبور نکنید، بلکه آنان را علاقه‌مند سازید.
- فرزندان‌تان را پس از انجام عبادت‌های دینی، تشویق کنید.
- برای آگاه شدن از وظایف خود در برابر کودک و نوجوان به مطالعه کتاب‌های مربوط پردازید.
- برای تربیت دینی کودکان و نوجوانان با کارشناسان دینی مشاوره کنید.

۸. ضرورت هماهنگی در برنامه‌های سیما

یکی از مشکلات اساسی سیما که در سطح کلان دیده می‌شود، این است که از سویی با هزینه‌ها و امکانات مادی و معنوی بسیار، در برخی برنامه‌ها به آموزش دینی می‌پردازد و از سوی دیگر، با پخش بعضی برنامه‌ها در جهت مقابل آن فعالیت می‌کند. برای نمونه، در بعضی برنامه‌های کارشناسی، کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگ‌سالان به دین محوری دعوت می‌شوند، ولی در بعضی از سریال‌ها یا فیلم‌های سینمایی، با گنجاندن صحنه‌ها و گفتارهای نادرست، زمینه رشد بعضی مسائل شهوانی و ضد دینی فراهم می‌شود. نمونه‌هایی از این مسائل عبارتند از: اشاعه فرهنگ غربی در بعضی فیلم‌های خارجی؛ برقراری رابطه بین پسر و دختر که به صورت هنجار در بعضی سریال‌های طنز و مانند آن دیده می‌شود؛ پوشش نامناسب و شهوت‌انگیز بعضی بازیگران و به ویژه بانوان. مسئولان و عوامل رسانه دینی باید با توجه به فرهنگ غنی اسلام، خلاقیت کافی، درک نیازهای هر زمان و حل تعارض‌های موجود، به کیفیت و کمیت برنامه‌های مربوط بیشتر اهمیت دهند تا بتوانند در مسیر تربیت دینی نسل امروز به ویژه کودکان و نوجوانان گام بردارند (همان).

راهکارهای پرداختن به شکل‌گیری هویت دینی در برنامه‌های رسانه

۱. ساختار در اماتیک (روال داستان، ماجراهای فرعی)

الف) هویت دینی و شخصیت‌های داستان

یک- در ساختار داستان می‌توان از شخصیت‌هایی استفاده کرد که تربیت صحیح دینی موجب شکل‌گیری هویت دینی مطلوب در آنها شده‌است.

دو- در انتخاب شخصیت‌های فیلم می‌توان کسانی را برگزید که محبوبیت و تعهد بیشتری دارند.

سه- در روند داستان، بر نقش عمل به آموزه‌های دینی در کودک و نوجوان و سپس دستیابی به دین‌مداری در زندگی و الگو شدن تاکید شود.

چهار- بین سقوط و انحطاط شخصیت داستان و رعایت نکردن آموزه‌های دینی در کودکی و نوجوانی و پس از آن روی آوردن به کارهایی که موجب تنفر جامعه می‌شود، ارتباط برقرار شود.

پنج- داستان فیلم‌های منفی باید جایی پایان پذیرد که شخصیت اصلی آرزو کند با بازگشت به گذشته اشتباه‌های خود را جبران کند و مسیر درستی را پیماید.

ب) هویت دینی و الگودهی درست

یک- افراد، خانواده‌ها و مکان‌های آموزشی و دینی که در روند شکل‌دهی هویت دینی موفق بودند، معرفی شوند.

دو- از زندگی افراد بزرگی که در این راه به کمال دست یافته‌اند، الگوبرداری شود.

سه- نشان دادن تربیت صحیح دینی در میان قشرهای گوناگون اجتماعی مانند: استادان دانشگاه، پزشکان، کارمندان، بازاریان، نیروهای مسلح، کشاورزان، جانبازان و...

چهار- تقدیر از افراد، خانواده‌ها و محیط‌های آموزشی موفق در این زمینه.

پنج- نشان دادن آسیب‌های سهل‌انگاری در این زمینه. برای نمونه، مشکلاتی که والدین و مربیان تحمل می‌کنند یا مشکلاتی که کودک و نوجوان در سال‌های آینده زندگی‌شان تجربه خواهند کرد که از سهل‌انگاری و بی‌خیالی متولیان تربیت پدید می‌آید.

ج) ارزش و اهمیت شکل‌گیری هویت دینی

یک- در ساختار داستان و ماجراها، بی‌توجهی والدین و مربیان به رشد دینی کودک و نوجوان تقبیح شود.

دو- درباره غفلت در زمینه تربیت دینی، با ایجاد جرعه و تحول در افراد به این مهم پرداخته شود.

سه- در داستان‌ها، دلایل اهمیت دوره‌های کودکی و نوجوانی برای رسیدن به هدف مورد نظر بیان شود.

چهار- در هر سن و دوره‌ای به اهمیت آموزه‌های مربوط اشاره شود. برای نمونه، شخصیت داستان تا هفت سالگی فرزندش،

برای او اسباب بازی‌های گوناگونی تهیه می‌کند و او را به فعالیت‌های این دوره مشغول می‌سازد، ولی در کنار آن، مراقب است تا از غذاهای حرام استفاده نکند و با فرزندان افرادی که به مسائل دینی بی‌تفاوت هستند هم بازی نشود گاهی نیز در کنار او نماز و دعا می‌خواند. همچنین می‌کوشد آموزش را آغاز نکند. در پایان این دوره فقط بعضی ذکرها را به صورت تدریجی آموزش می‌دهد. با فرارسیدن هفت سال دوم زندگی کودک آرام آرام آموزش دینی را همراه با لطافت خاصی آغاز می‌کند. در کنار آن نیز با

انتخاب دوست و هم‌نشینی شایسته زمینه‌های خانوادگی و محیطی برای تربیت دینی را فراهم می‌سازد.

پنج- در ساختار داستان، شخصیت اصلی به دلیل پی بردن به اهمیت تربیت دینی فرزند یا دانش‌آموزش و برای آشنایی بیشتر با ظرافت‌های آن، به دنبال کارشناسان، کلاس‌ها و کتاب‌های مرتبط می‌گردد.

شش- هنرمند فیلم، شکل‌دهی هویت دینی را وظیفه خود می‌داند و به شکل هماهنگ عمل می‌کند.

هفت- اگر پدر و مادر یا مربیان، مرحله خاصی از رشد کودک و نوجوان و آموزه‌های مربوط را فراموش کرده باشند

دیگران با یادآوری آن مسائل بر اهمیت آن تاکید کنند.

هشت- در مسافرت، مهمانی، رفت و آمد در خیابان، سینما، کلاس درس، خوابگاه، محل کار و... به آموزه‌های دینی عمل

شود.

د) توجه به هویت دینی در کانون خانواده

یک-والدین نسبت به رشد دینی فرزندان و بهره‌گیری از روش‌های مستقیم و غیر مستقیم حساسیت داشته باشند (مانند: کنایه، تعریض، تعجب، تاسف، اشاره، تشویق و تنبیه با شرایط ویژه‌اش)
دو- به مسائل تربیت دینی در زوج‌های جوان توجه شود.
سه- به تاثیر تعادل و سامان خانواده اشاره شود.
چهار- به تاثیر منفی شیر و غذای حرام در آینده نوزاد توجه شود.
پنج- پدر و مادر، فرزندان را به شرکت در مراسم‌های مذهبی تشویق کنند و با بهره‌گیری از مکانیسم پاداش، آنها را به تکرار آن عمل ترغیب سازند.

شش- فرزندان به عضویت در گروه‌هایی که در مسیر مذهب و مسائل عبادی فعالیت می‌کنند تشویق شوند.
هفت- از روش‌های جذاب کلامی و غیر کلامی برای آموزش‌های دینی استفاده شود.
هشت- به جشن تکلیف و تبیین آن در خانواده‌ها توجه ویژه شود.
نه- با برگزاری مراسم کوچک در کانون خانواده، از فرزندانی که فعالیت دینی را انجام داده است قدردانی شود تا به صورت خاطره‌ای زیبا تداعی گردد و موجب تکرار آن عمل در سال‌های آینده شود.
ده- در بعضی زوایه‌های داستان، مادر در حال آشپزی یا خیاطی، مسائل دینی را به دختر کوچک خود آموزش می‌دهد. پدر هم در حال فعالیت ورزشی، تعمیر وسیله‌ای برقی یا شستن ماشین و مانند اینها، به پسر کوچک خود آموزش دینی می‌دهد. البته بچه‌ها باید در هفت سال دوم زندگی باشند.
یازده- والدین باید در حالت ناراحتی، اضطراب و نگرانی، از آموزش دینی پرهیز کنند و آن را به موقعیت‌های جذاب دیگر تغییر دهند.

دوازده- والدین باید در میان اعضای خانواده، کانونی صمیمی و عاطفی پدید آورند.
سیزده- والدین باید از تبعیض میان فرزندان پرهیزند.
چهارده- والدین باید خود به آموزه‌های دینی عمل کنند.
ه) جلوگیری هویت دینی از افتادن به مسیرهای نادرست
یک- به تاثیر عمیق هویت دینی در زندگی افراد اشاره شود.
دو- با توجه به ظرافت‌های تربیتی، باید به این موضوع اشاره شود که آموزه‌های دینی دوره کودکی و نوجوانی، از دچار شدن به مسائل خطرناک مانند اعتیاد، دزدی و... جلوگیری می‌کند.
سه- متحول شدن بزه‌کار پس از دیدار با کسی که با دین مانوس است.
چهار- دوری گزیدن از فردی که هویت دینی مناسبی ندارد.
پنج- ترسیم چهره زشت و نامطلوب از افرادی که با تربیت دینی پرورش نیافته باشند (بخشنده، ۱۳۸۵، ۱۱۳).

۲. دیالوگ‌ها و رفتارها در حال ایفای نقش

الف) توجه به لوازم هویت دینی در دیالوگ‌ها و رفتارها

یک- والدین مریدان با توجه به فراهم شدن محیط و حالت مناسب، مسائل دینی را به فرزندان آموزش می دهند.

دو- کودک به همراه والدین خود وضو می گیرد و برخی از اجزای نماز را به جا می آورد.

سه- در لبه سقوط اخلاقی و رفتاری، آموزه های دینی را به یاد می آورد.

چهار- در گفت و گوها اشاره شود که فلان کودک را در حال انجام عمل دینی دیدم و... .

پنج- از اجبار در آموزش و یادگیری می پرهیزد.

شش- از وسایل کمک آموزشی مانند: نوار، تصویر، کتاب ها، برنامه های رایانه ای و غیره استفاده می شود.

هفت- به تفاوت دوره کودکی و نوجوانی و آموزش های ویژه آن اشاره شود. برای نمونه، در آموزش نوجوان با توجه به استقلالی که دارد به صورت توصیه ای عمل شود. باید بکوشیم با ایجاد روش پرسش و پاسخ، به حل مشکلات این دوره پرداخته شود.

هشت- در دیالوگ ها و رفتارها به روش های گوناگون که بر اساس تفاوت های فردی پدید می آید، اشاره می شود. برای نمونه، هر کودک یا نوجوانی بر اساس ایده های خاصی که با او همخوان است، هویت دینی خود را تقویت می کند که بر اساس تفاوت های فردی شکل گرفته است.

ب) آموزش مراحل شکل گیری هویت دینی

یک- با تولد فرزند، پدر در گوش نوزاد، اذان و اقامه را زمزمه می کند. این صفحه همراه با آهنگ مناسب و صحنه عارفانه نمایش داده می شود.

دو- پس از مشورت والدین و فامیل، نامی زیبا و دینی برای نوزاد انتخاب می شود.

سه- در داستان شب برای کودکان به گونه ای غیر مستقیم به مسائل دینی اشاره شود. در این باره می توان از داستان های پیامبران و ائمه اطهار (ع) بهره گرفت.

چهار- والدین با مریدان آموزشی، روحانی محله و فامیل به مشورت می پردازند تا به صورت هماهنگ عمل کنند.

پنج- برای مخاطب روشن شود که هر آموزه دینی در چه دوره و سنی اجرا می شود (بخشنده، ۱۳۸۵، ۱۱۴).

طراحی صحنه و لوکیشن

الف) طراحی صحنه (محیط های بسته و باز)

یک- هنگام آموزش مسائل دینی، از صحنه های جذاب و دیدنی استفاده شود.

دو- بهتر است صحنه ها در کنار رودخانه، دریا، درخت، جنگل، کوه و غیره باشد.

سه- در معرفی مکان های مذهبی از جمله مسجد باید کوشید از مکان های جذاب و شاداب استفاده شود.

چهار- به تناسب گفتار یا آموزش دینی، می توان از اشعار، تصاویر، خطاطی و... بهره برد.

پنج- هنگام تقلید کودک از نماز، دعا، تلاوت قرآن و... از طرح ها و آهنگ های عارفانه جذاب استفاده شود.

ب) آفت ها و آسیب های صحنه

یک- ابهام بیش از حد نمادها؛

دو- افراط و تفریط در استفاده از نمادها؛

سه - تناسب نداشتن طراحی صحنه با آموزش‌های مذهبی؛

چهار - جذاب نبودن طراحی؛

پنج - استفاده از طرح‌های روز جهان درباره موضوع (همان، ۱۱۵).

۴. نماآهنگ هویت دینی

الف) نماآهنگ برای کودکان و نوجوانان

یک - آموزش ظرافت‌های دینی، هم گام با سطح شناختی مخاطب؛

دو - استفاده از حضور افرادی که الگوی کودکان و نوجوانان هستند؛

سه - تناسب داشتن موسیقی با سلیقه مخاطبان این دوره؛

چهار - بهره‌گیری از شخصیت کودک و نوجوانی که در انجام مسائل دینی به مقام‌هایی رسیده؛

پنج - نشان دادن شخصیت‌هایی که با انجام ندادن آموزه‌های دینی به مشکلات و موانعی برخورد کرده‌اند و پس از آشنا شدن

با هم سال مذهبی، از موانع و مشکلات رهایی می‌یابند.

شش - پخش نماآهنگ‌های کودک و نوجوان در وقت مناسب؛ به این معنی که در بعضی فرصت‌ها به جای پیام بازرگانی

در میان برنامه‌های جذاب از قبیل طنزهای شبکه سوم، از نماآهنگ کودک و نوجوان استفاده شود.

هفت - در پایان نماآهنگ، از بعضی هم سالان بخواهند تا در چند ثانیه، نتیجه آن را بیان و دیگران را به آموزه‌های دینی

سفارش کنند.

ب) نماآهنگ با موضوع والدین و مریان

یک - در این نوع از نماآهنگ‌ها هم باید از شخصیت‌های محبوب استفاده شود.

دو - والدینی که بی‌توجه، از دوره کودکی و نوجوانی فرزندشان می‌گذرند، تازه در دوره جوانی در می‌یابند که وی به

کارهای خلاف عرف، قانون و شرع رو آورده است. آن زمان از کردار خود پشیمان می‌شوند و آرزو می‌کنند روزی به دوره قبلی

برگردند و جبران کنند.

سه - به اهمیت نقش دوستان در شکل‌گیری شخصیت اشاره شود.

چهار - مریان هم در نماآهنگ، هم گام با والدین به رفتار و اخلاق شاگردان توجه می‌کنند و در مسائلی با آنها به مشورت

می‌پردازند.

پنج - آهنگ‌ها باید به صورت جذاب با قسمت‌های گوناگون تصویر هماهنگ باشد.

شش - مشورت زن و مرد درباره تربیت فرزندان و نتیجه‌گیری درست ترسیم شود.

هفت - وجود رابطه عاطفی و صحیح میان والدین و اعضای خانواده را باید نشان داد.

هشت - استفاده از تجربه‌های بعضی والدین و مریان در تربیت دینی فرزندان را نیز می‌توان ترسیم کرد.

نه - نماآهنگ در فرصت مناسب باید والدین و مریان سهل‌انگار را از خواب غفلت بیدار کند.

ده - از نماآهنگ‌های آرمانی باید استفاده شود.

ج) آفت بعضی نماآهنگ‌ها

یک- ضعف تصویرگری، صداگذاری و نورپردازی در حدی که پیام اصلی ارائه نشود.
دو- کنایه آمیز بودن بیش از حد که مخاطب آن را درک نکند.
سه- روابط ناسالم والدین با یکدیگر در حال آموزش.
چهار- استفاده از شخصیت‌هایی که در زندگی‌شان هیچ تعهدی نسبت به موضوع ندارند و حتی گاهی بر خلاف آن عمل می‌کنند.

پنج- به پایان نرسیدن نما آهنگ و بی نتیجه ماندن.
شش- به کارگیری زیاد نما آهنگ به گونه‌ای که ملال آور باشد (بخشنده، ۱۳۸۵، ۱۱۷).

۵- زیرنویس‌ها و پیام مجری

الف) زیرنویس‌ها و پیام مجری باید خلاصه و پرمحتوا باشد.
ب) هنگام پخش فیلم و برنامه‌های جذاب، زیرنویس‌های کوتاه و مهم درج شوند. برای نمونه به این نکته‌ها اشاره شود.
یک- کودکان و نوجوانانی که اهل ایمان هستند، زندگی آرامی دارند.
دو- افراد با هویت دینی، درس خوان‌ترند.
سه- افراد مذهبی مشکلات زندگی را بهتر حل می‌کنند و...
ج) پیام مجری پس از بیان مقدمه گفته شود.
د) با مخاطب‌شناسی در فرصت مناسب همراه باشد.
ه) می‌توان در زمینه‌های گوناگون مذهبی نظیر نماز، روزه، اطاعت از خداوند و محبت به پیامبر و ائمه اطهار (ع)، دوری از گناه، آثار و پی‌آمدهای عمل به آموزه‌های دینی، تلاش برای باتقوا شدن و... از پیام‌های زیبایی استفاده کرد. مثل اینکه اشاره کند:
یک- من، کودکان و نوجوانان را که اعمال دینی را می‌شناسند و عمل می‌کنند، خیلی دوست دارم.
دو- من همیشه برای آنها دعا می‌کنم.
و) خطرهایی که در پی بی‌تفاوتی نسبت به دین به وجود می‌آید، تبیین شود. به عنوان نمونه بازگو کند که افراد بی‌هویت دینی، در مشکلات زندگی سرگردان هستند و از زندگی‌شان کمتر لذت می‌برند.
ز) برای درک بهتر پیام مجری، از مثال، حکایت و اشعار مربوط به موضوع استفاده شود (همان، ۱۲۰).

۶. برنامه کودک و نوجوان

الف) برنامه‌های آموزشی برای کودکان و نوجوانان
یک- تهیه متن برای مجری درباره رشد هویت دینی از زاویه‌های گوناگون و قابل درک برای مخاطب (مطالب باید در سطح شناختی کودکان و نوجوانان باشد و با زبان آنها بیان شود).
دو- معرفی کتاب‌های جذاب برای آموزش مبانی دینی.
سه- همراه گفتار مجری، زیرنویس‌های جذاب در این باره درج و پی‌آمدهای آموزش دینی بیان شود. مانند: ارزش بخشیدن، دور کردن آسیب‌ها، رسیدن به آرامش، پیشرفت تحصیلی و...
چهار- آموزش همراه با داستان و حکایت ارائه شود.

پنج- کودکان و نوجوانان در بحث، شرکت کنند.

شش- آموزش مبانی دینی در قالب کارتن، نمایش عروسکی، طنز و نما آهنگ.

هفت- می‌توان از داستان‌های انبیا و ائمه (ع) استفاده کرد.

هشت- تولید هم‌خوانی و سرودهای ویژه هر آموزه دینی برای کودکان و نوجوان.

نه- برگزاری مسابقه‌های جذاب در این باره.

ده- نشان دادن مراسم تشویق از نونهالانی که در این زمینه فعال هستند.

یازده- ساختن برنامه‌های ویژه که در میان برنامه‌های مورد علاقه کودکان و نوجوانان پخش شود مانند آنچه درباره رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی برای آنها پخش می‌شود.

ب) برنامه‌های مسابقه‌ای برای کودکان و نوجوانان

یک- مسابقه نقاشی در زمینه آموزه‌های دینی همراه با جایزه برگزار شود.

دو- برای دوره‌های سنی دختران و پسران جداگانه برگزار شود.

سه- مسابقه به صورت گروهی، فردی، شفاهی، مکاتبه‌ای، تلفنی و... برگزار شود.

چهار- موضوع‌ها باید با سطح شناختی کودکان و نوجوانان سنخیت داشته باشد؛ بعضی از موضوع‌ها عبارتند از: شناخت خدا، برگزیدگان خدا، وظیفه بندگان خدا، کتاب آسمانی، روزه، نماز، وضو، دوری از گناه، محبت اهل بیت، محبت والدین و... .

پنج- مجری مسابقه باید با ظرافت‌های ویژه به کسانی که اطلاعات کافی ندارند یا جوایزی به دست نیاوردند، روحیه بدهد تا احساس شکست نکنند (بخشنده، ۱۳۸۵، ۱۲۲).

۷. گزارش‌های خبری

الف) گزارش‌های خبری مربوط به وظایف مهم والدین و مربیان

یک- خبررسانی در مورد خطرهای احتمالی اهمال کاری در تربیت دینی.

دو- خبررسانی درباره نوع وظایف تربیتی و زمان آغاز آن.

سه- توجه دادن به پی‌آمدهای مثبت رشد هویت دینی.

چهار- با بیان هدف اصلی تهاجم‌های فرهنگی، به اهمیت موضوع اشاره شود.

ب) گزارش‌های خبری مربوط به معرفی افراد موفق یا شکست خورده در این زمینه

یک- معرفی پدر و مادری که با همکاری مربیان و با صبر و پشتکار، فرزند خود را با آموزه‌های دینی آشنا کرده و به هویت دینی مطلوب فرزندشان دست یافته‌اند. چگونگی و روش فعالیت آنها هم باید تبیین شود.

دو- یاد کردن از کسانی که با سهل‌انگاری در این زمینه، مقدمات عذاب خود و فرزندشان را فراهم کردند. به عنوان نمونه، نشان دادن بعضی از فرزندان که در زندان به سر می‌برند یا فراری هستند.

سه- خبررسانی و معرفی مراکز آموزشی و فرهنگی که به خوبی از عهده آن برآمدند؛ مانند مساجدی که با برنامه‌های هماهنگ، کودکان و نوجوانان را به فعالیت‌های مذهبی مشغول کرده‌اند.

چهار- خبررسانی درباره جشن تکلیف و هنجار سازی برای آن (همان، ۱۲۳).

۸- برنامه‌های ورزشی

الف) گفتارهای مربوط به مجری در برنامه‌های ورزشی

یک- مجری می‌گوید: همان گونه که جسم ما به ورزش و فعالیت نیازمند است روح و روان ما نیز برای تقویت شدن به فعالیت‌هایی نیاز دارد. در این گونه مسائل والدین و مریمان باید مانند ورزش‌های بدنی، به آموزش نیازهای روحی فرزندان پیردازند و آموزه‌های دینی را به طور مطلوب آموزش دهند.

دو- مجری باید در میان برنامه‌ها، آنها را به توانایی روحی هم گام با توانایی جسمی تشویق کند.

سه- می‌توان از نوجوان ورزش کاری یاد کرد که در کنار ورزش، به مسائل دینی می‌پردازد.

ب) گزارش‌ها و مصاحبه‌های مربوط به ورزش

یک- به انجام وظایف دینی بعضی ورزش کاران توجه شود.

دو- گزارش درباره بعضی از ورزش کارانی که به هويت دینی فرزندان خود توجه دارند.

سه- گفت و گو با ورزش کاران و فرزند آنها در این زمینه.

چهار- پرسش درباره تاثیر دین در ورزش و به طور کلی در زندگی آنها.

پنج- تهیه تصاویری که بیانگر پرداختن نوجوانان ورزش کار به مسائل دینی است.

شش- تهیه تصاویری که ورزش کاران در حال آموزش دادن مسائل دینی به فرزندان خود هستند (بخشنامه، ۱۳۸۵، ۱۲۴).

۹- مستندسازی

الف) وضعیت تربیت دینی بعضی خانواده‌های موفق.

ب) وضعیت کودکان و نوجوانان بزه کاری که در زندان به سر می‌برند و بررسی علل و عوامل آن.

ج) وضعیت کودکان و نوجوانانی که با فرار از خانه، در خیابان‌ها به سر می‌برند و بررسی علل و عوامل آن.

د) مستندسازی درباره خاطره‌های ویژه بعضی خانواده‌های موفق و شکست خورده.

ه) مستندسازی الگوی زندگی بعضی بزرگان که در زندگی خود به این مهم توجه کرده‌اند.

و) مستندسازی فعالیت‌های یگانگان که با تهاجم فرهنگی، در پی دور کردن والدین و مریمان از تربیتی دینی هستند.

ز) مستندسازی درباره بعضی مسائل تاریخ مرتبط با موضوع.

ح) مستندسازی درباره علل و عواملی که سبب دور شدن کودکان و نوجوانان از عمل به آموزه‌های دینی می‌شود.

ط) مستندسازی درباره علل و عوامل گرایش کودکان و نوجوانان به آموزه‌های دینی.

ی) ماجراهای نجات کودکان و نوجوانان از دام انسان‌های ناسالم (همان).

نتیجه گیری

با ارزیابی و تحلیل عوامل و عناصر آسیب‌زا در نسل جوان می‌توان به این نتیجه رسید که دور بودن فرد از تربیت صحیح دینی

در سالهای کودکی و نوجوانی زمینه ساز بی‌هویتی آنان می‌شود لذا اگر افرادی در آغاز دوران کودکی و در ادامه، در سالهای

نوجوانی از آموزه‌های دینی بی‌بهره بمانند و متولیان امور تربیتی مانند خانواده و مدرسه نیز نسبت به شکوفایی هویت دینی آنان

بی‌توجه باشند تصور صحیحی از هویت دینی بدست نخواهند آورد. بحران هویت که امروزه گریبانگیر انسان غربی و متاسفانه

بخشی از جوانان کشور خودمان شده است نیز در اثر شکل نگرفتن هویت دینی در آنان می‌باشد برای رسیدن به دوره‌ای با هویت دینی نهادینه شده در افراد جامعه باید به صورت مداوم نقاط آسیب‌زا را شناسایی و مرتفع کرد و نقاط قوت را تقویت و گسترش داد که در این مقاله سعی گردید تا ضمن معرفی مهمترین شاخصه‌های هویت دینی، عوامل موثر در شکل‌گیری، تقویت و تضعیف آن مورد بررسی قرار گیرد و در ادامه به محورهایی که به نظر می‌رسد باید مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان رسانه قرار گیرد اشاره گردید و در پایان راهکارهایی که می‌توان آنها را در برنامه‌های رسانه خصوصا تلویزیون مد نظر قرار داد مورد تاکید واقع شد. برای رسیدن به این دوره نهادهای خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، خطبای دینی و... وظیفه بس سنگین دارند تا در قالب ساخت فیلم‌ها، سریال‌ها، سخنرانی‌های مذهبی و دینی، برنامه‌های متنوع فرهنگی متناسب با سنین مختلف و... به تبیین ابعاد و زوایای مختلف هویت دینی و بیان مزایا و فواید و پیامدهای ناشی از هویت دینی بپردازند. در این میان به نظر می‌رسد نقش رسانه بسیار حائز اهمیت است. رسانه‌ها همچنان که می‌توانند مخاطبین خود را به امور پیش‌پافتاده و مبتذل سرگرم کنند و آنها را از فرهنگ و هویت بومی و دینی خود جدا و حتی متنفر کنند، این قدرت را نیز دارند که با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح در قالب فیلمها، سریالها و... نقش بسزایی در تبیین و نهادینه کردن هویت دینی در نسل حاضر و نسلهای آینده داشته باشند.

منابع

- ۱- آخوندی، محمد باقر (۱۳۸۳)، هویت ملی - مذهبی جوانان، قم: بوستان کتاب.
- ۲- بخشنده بالی، عباس (۱۳۸۵)، بررسی مراحل شکل‌گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- ۳- حاضری، علی محمد و خانی، علی اکبر (۱۳۷۸)، خودباوری و خودباختگی از دیدگاه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴- شرفی، محمد رضا (۱۳۷۹)، جوان و بحران هویت، تهران: انتشارات سروش.
- ۵- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، آشنایی با علوم اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
- ۶- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا.
- ۷- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
- ۸- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران: انتشارات صدرا.
- ۹- نصری، عبدالله (۱۳۷۸)، انتظار بشر از دین، (بدون نام)، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۱۰- نگارش، حمید (۱۳۸۰)، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، قم: ناشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه